

روش‌های پژوهش ترکیبی در کتابداری و اطلاع‌رسانی

روش‌های تحقیق ترکیبی (آمیخته یا تلفیقی)، طرحی تحقیقی شامل فرضیه‌های فلسفی و شیوه‌های تحقیق است. تحقیق تلفیقی به‌عنوان روش‌شناسی، شامل فرضیه‌های فلسفی است که مسیر جمع‌آوری، تحلیل و ترکیب رویکردهای کیفی و کمی مراحل بی‌شمار فرآیند تحقیق را هدایت می‌کند. این تحقیق به‌عنوان یک شیوه بر جمع‌آوری، تحلیل و تلفیق اطلاعات کمی و کیفی در یک پژوهش مجزا یا مجموعه‌ای از پژوهش‌ها تمرکز می‌کند و مهم‌ترین فرض آن است که به‌کارگیری ترکیبی رویکردهای کمی و کیفی درک بهتری نسبت به زمانی که هر رویکرد را جداگانه‌ای به‌کار ببریم، از موضوع تحقیق به‌دست می‌دهد. در هر تحقیقی، این «مسئله تحقیق» است که تعیین می‌کند از چه روشی باید برای مطالعه آن استفاده شود. یک مسئله واحد ممکن است چندین وجه داشته باشد و برای پرداختن به وجوه مختلف آن باید روش‌هایی را با هم ترکیب کنیم. به‌عبارتی در پژوهش‌های ترکیبی، ما به مسئله و موضوع مورد مطالعه خود یک سویه و یک جانبه نگاه نمی‌کنیم بلکه چند وجهی، چند جانبه و کلی می‌نگریم. نشست این شماره کلیات به روش‌های پژوهش ترکیبی اختصاص یافته است و مباحثی مانند تعریف پژوهش ترکیبی یا آمیخته، مقایسه رویکردهای کمی و کیفی و سهم آنها در رویکرد آمیخته، تاریخچه و سابقه استفاده از این رویکرد در مطالعات حوزه‌های مختلف، مزیت‌های روش آمیخته، زمینه‌های مناسب برای استفاده از پژوهش‌های آمیخته در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی و نظایر آن در آن مطرح شده است.

حاضران:

دکتر عباس حزی،

استاد گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی
دانشگاه تهران



دکتر علی جلالی دیزجی،

استادیار گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی
دانشگاه علامه طباطبائی



دکتر ابراهیم افشار،

استادیار گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی
دانشگاه اصفهان



دکتر یزدان منصوریان،

استادیار گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی
دانشگاه تربیت معلم (دبیر جلسه)





دکتر منصوریان:

منظور از روش

پژوهش‌های ترکیبی،

روش‌هایی است که

در آن رویکردهای

کمی و کیفی به‌طور

همزمان در یک پروژه

تحقیقاتی واحد مورد

استفاده قرار می‌گیرند

دکتر حزی:

ما امروزه متأثر از

یک نظامی در نظام

دانشگاهی خود

هستیم که همان نظام

«رویکرد یک‌سویه»

به پژوهش است، که

هنوز هم جایگاه خود

را حفظ کرده و آن

رویگرد کمی است. بر

اساس این دیدگاه،

فقط آن‌چه را که بتوان

کمی کرد علمی است،

و اگر نتوان آن را کمی

کرد علمی نخواهد بود

ترکیبی و سایر مواردی را که در این زمینه لازم می‌دانند بفرمایند.

دکتر حزی: ظاهراً آقای منصوریان می‌دانستند که من با تعاریف میانه خوبی ندارم و آن را بر عهده من گذاشتند! نمی‌دانم چند درصد از افرادی که در این جلسه حضور دارند در مقطع کارشناسی ارشد و بالاتر و یا اساساً به عنوان علاقه شخصی درگیر کار تحقیقی هستند. در این تعریف باید ابتدا به اهمیت «مسئله» بپردازیم. این «مسئله» یک موضوع بسیار سرکش، ناآرام، زیاده‌خواه و غیر قابل کنترل است، و با کمال تأسف پس از گذشت قرن‌ها، در دهه‌های اخیر پی بردند که مسئله را نمی‌توان یک‌سویه دید. یعنی نظام کمی گرا همیشه مسئله را از یک منظر واحد دیده است و آن این‌که هر گاه نتوانیم چیزی را کمی کنیم، قابل پیمایش است. اگر این‌طور به قضیه نگاه کنیم، همیشه مسئله را تک بعدی دیدیم. مسئله به این شکل نیست که به هر شکل که خواستیم با آن برخورد کنیم، بلکه ما باید خود را با چگونگی برخورد با آن هماهنگ کنیم. ما امروزه متأثر از یک نظامی در نظام دانشگاهی خود هستیم که همان نظام «رویکرد یک‌سویه» به پژوهش است، که هنوز هم جایگاه خود را حفظ کرده و آن رویکرد کمی است. بر اساس این دیدگاه، فقط آن‌چه را که بتوان کمی کرد علمی است، و اگر نتوان آن را کمی کرد علمی نخواهد بود. بنابراین، در مقابل آن رویکرد کیفی که اخیراً خود را در تحقیقات دانشگاهی ما نشان می‌دهد مطرح شده است. اما در اینجا سؤال این است که بحث پژوهش ترکیبی یا آمیخته که در مقابل آن کلمه Mixed Method را قرار دادیم، چرا مطرح می‌شود و به چه معنا است؟ مبحثی تحت عنوان Multi-Methodology در روش‌شناسی داریم که به معنای روش‌شناسی چند بعدی است. روش‌شناسی به معنای این است که

دکتر منصوریان: بسم‌الله الرحمن الرحیم. خدمت حاضرین در این نشست سلام عرض میکنم و از برگزارکنندگان این جلسه و همچنین اساتید محترمی که دعوت ما را برای شرکت در نشست قبول کردند تشکر میکنم. موضوعی که امروز در مورد آن به بحث خواهیم نشست، کاربردهای روش‌های پژوهش ترکیبی (آمیخته) در مطالعات کتابداری و اطلاع‌رسانی است. منظور از روش پژوهش‌های ترکیبی، روش‌هایی است که در آن رویکردهای کمی و کیفی به‌طور همزمان در یک پروژه تحقیقاتی واحد مورد استفاده قرار می‌گیرند. بنده حین جستجو در منابع علمی در این زمینه به مقاله‌ای تحت عنوان «پژوهش ترکیبی در تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی» برخورد کردم که توسط شخصی به نام «رایا فیدل» نوشته شده و در سال ۲۰۰۸ در مجله Library and Information Science Research منتشر شده است. (مشخصات کامل کتابشناختی مقاله مذکور در پیوست آمده است). ایشان یک کار «تحلیل محتوا» انجام داده و در آن ۴۶۵ مقاله‌ای را که در سال ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ در چهار مجله بین‌المللی کتابداری یعنی Library Management, JASIST, Information Science Journal of Documentation و Research Library and Information Science بررسی کرده و مشاهده کرده است که در این ۴۶۵ مقاله تنها ۲۲ مورد از روش ترکیبی استفاده کردند. در نتیجه می‌توان دید که گرچه بیش از سه دهه از کاربرد پژوهش‌های ترکیبی در مطالعات علوم اجتماعی می‌گذرد ولی در کتابداری چندان به آن پرداخته نشده است. برای شروع بحث در این نشست، ابتدا از تعریف پژوهش ترکیبی شروع می‌کنیم. به همین منظور از استاد ارجمند جناب آقای حزی خواهش می‌کنم تعریف خود را از پژوهش



در باب روش بحث شود و نه این که چه روشی به کار گرفته شود. در بحث چند روشی صحبت از این است که برای بررسی یک مسئله بیش از یک روش استفاده شود. اما در باب روش تلفیقی یا آمیخته یک ویژگی برای آن تعریف می کنند که روش آمیخته جزء چند روشی است، اما ویژگی خاص خود را دارد و آن این است که در روش آمیخته ما حتماً تلفیقی از کمی و کیفی داریم. یعنی دو رویکرد کمی و کیفی در یک مسئله مطرح می شود. از دو رویکرد صحبت شد که ممکن است در هر رویکرد از دو روش استفاده کنیم. یعنی دو روش کمی و دو روش کیفی داشته باشیم که تمامی آن ها متعلق به مسئله ای باشد که در تحقیق خاص وجود دارد. تا کنون روش ما در تحقیق عمدتاً کمی گرا بوده است. بعد با ظهور پسامدرن، کیفی گرایی وارد شد و اساساً یک تأمل و علامت سؤال بسیار بزرگی در مقابل کمی گرایی به وجود آمد. آنچه که امروزه مطرح می شود چیزی ورای کمی و کیفی است، یعنی این که روش کیفی را به صورت مطلق بپذیریم و کمی را نپذیریم و یا بالعکس، مورد قبول نیست. ما باید هر کجا که مسئله یا بخشی از مسئله ایجاد کرد از رویکرد خاص خودش بهره مند شویم، حال می تواند کیفی یا کمی باشد. نکته جالب تر این است که علی رغم این که گفته می شود کیفی گرایی یکی از ارمان های پست مدرنیسم است، ولی تعدادی از پست مدرنیست ها و پساساختارگراها با روش آمیخته مخالف هستند و معتقدند که جمع اضداد است اگر یافته های کمی و کیفی را در هم آمیخته کنیم. این یکی از نقدهایی است که این گروه مطرح می کنند و این جای تأمل دارد که در ادامه بحث به آن اشاره خواهیم کرد.

دکتر منصوریان: از آقای دکتر حرّی به خاطر توضیحات خوبی که فرمودند تشکر می کنم، از آقای دکتر افشار درخواست می کنم تا تعریف و مقدمه ای را که در این نشست لازم می دانند بفرمایند.

دکتر افشار: من درک و نظر خود را از این مسئله بیان می کنم. به نظر من مطرح شدن چنین تئوری، به عنوان روش تلفیقی یا روش آمیخته، در پی جویی حقیقت برای کسانی که کار تحقیقاتی انجام می دهند یک تحول مثبت است. ما از وقتی چشم خود را به دنیا باز می کنیم به دنبال دانستن حقیقت هستیم. اما وقتی با چشم طبیعی خود به محیط نگاه می کنیم، تحت تأثیر ذهنیت ها و خطاهای خود ممکن است دچار خطا شویم؛ و چیزی را حقیقت بدانیم که حقیقت نیست. روش تحقیق علمی که صدها سال از معرفی آن به دنیا می گذرد، به وجود آمده تا به ما اطمینان دهد آن چیزی که درک و دریافت می کنیم حقیقت دارد، یا به حقیقت نزدیک است. به نوعی پیشرفت علم بوده که دنیای مدرن را ساخته است. پیشرفت های علم و تکنولوژی، به صورت منظم در این سیصد یا چهارصد سال اخیر به وجود آمده اند و محصول میراث فکری افرادی مانند فرانسیس بیکن است که روش علمی را تدوین و در این باره نظریه پردازی کردند و در اختیار ما قرار دادند. بعدها دانشمندان علوم فیزیک،

علوم طبیعی و علوم اجتماعی هم از این روش ها استفاده کردند. ولی امروزه دلیلی که باعث به وجود آمدن این پدیده - روش تلفیقی - شده، این است که متکی بودن و یا محدود کردن خود به یک رویکرد برای کشف حقیقت (آن هم رویکردی که در آن هر چیزی که قابل اندازه گیری است می توان نسبت به آن شناخت پیدا کرد و هر چیزی که غیر قابل اندازه گیری باشد غیر قابل شناخت)، ممکن است ما را با محدودیت همراه سازد. این همان روش محدود علمی است که به نام روش پوزیتیویست^۱ (اثبات گرایی) مشهور است، و از علوم فیزیکی به علوم انسانی و علوم اجتماعی سرایت پیدا کرده است. به همین دلیل، شخصی که بنیانگذار جامعه شناسی در قرن نوزدهم بود نام این علم جدید را «فیزیک اجتماعی» نامید و نه جامعه شناسی؛ به این معنا که روش ها و عینیت علم فیزیک را در تحقیقات جامعه به کار ببریم. روش تحقیق کمی راه و روش اصلی تحقیق در باب حقیقت قرار گرفت و امروزه در دانشگاه های ما در رشته های علوم اجتماعی و انسانی از جمله رشته کتابداری و اطلاع رسانی مورد استفاده قرار می گیرد و تقریباً صد در صد پایان نامه های تحقیقاتی با این رویکرد پیش می روند و به نتیجه می رسند. روش کمی مستلزم این است که در مورد واقعیت از قبل حدس هایی داشته باشید و آن حدس ها را در یک پرسشنامه تدوین کرده و این پرسشنامه را به افراد مختلف بدهید تا پاسخ های بله یا خیر به آن ها بدهند. بعد آنها را با هم جمع می کنید و می گوئید این حقیقتی است که از این پرسشنامه استخراج شده است. مسئله این است، همان طور که آقای دکتر حرّی فرمودند، دنیای بیرونی و یا به تعبیری «مسئله»، خود را به آن چیزی که نیاز ما است محدود نمی کند، و ما نمی توانیم تعیین کنیم که از چه زاویه ای به مسئله نگاه کنیم. من روش های تحقیق را به قالب تشبیه می کنم، ما یک قالب می گیریم و می خواهیم همه چیز را درون آن بریزیم. همیشه در این رابطه فیلم چارلی چاپلین برای من یادآوری می شود که شخصی قصد سفر داشت و با عجله لباس های خود را درون چمدانی گذاشت و درب آن را محکم بست و دید قسمت هایی از لباس های مختلف او از چمدان بیرون مانده و به دلیل عجله ای که داشت قسمت های اضافی را با قیچی جدا کرد و رفت، اما وقتی آن چمدان را باز کند لباس های کاملی نخواهد داشت. برای مثال ما می خواهیم بدانیم برداشت و احساس مردمی که به این نمایشگاه آمدند چیست و نظر آنها در باره نمایشگاه چیست. یک پرسشنامه تهیه می کنیم و سی سؤال در آن مطرح می کنیم، تا آن ها علامت بگذارند و هنگامی که نتیجه معلوم شد، آنرا عین حقیقت فرض می کنیم. ولی این درست نیست، به این دلیل که ممکن است درون این پرسشنامه سؤالات بی ربطی وجود داشته باشد، یا موارد مهمی باشد که در سؤال های شما به آنها اشاره نشده باشد. بنابراین شما نمی توانید بگوئید که به حقیقت آنچه که مردم در باره نمایشگاه فکر می کنند، رسیده اید. مسائلی که مورد تحقیق قرار می گیرند مختلف هستند و باید روشی که برای آنها استفاده می شود منطبق بر طبیعت آنها باشد.

دکتر حرّی:
در بحث چند روشی صحبت از این است که برای بررسی یک مسئله بیش از یک روش استفاده شود. اما در باب روش تلفیقی یا آمیخته یک ویژگی برای آن تعریف می کنند که روش آمیخته جزء چند روشی است، اما ویژگی خاص خود را دارد و آن این است که در روش آمیخته ما حتماً تلفیقی از کمی و کیفی داریم.

در واقع روش تحقیق برای نجات ما از ذهن و توهم خلق شده و قرار شده تا دری به روی حقیقت برای ما باز کند، ولی آنقدر به یک روش محدود شدیم که خود روش تحقیق مانع رسیدن ما به حقیقت شده است. دانشجویان ما برای تحقیق در مورد همه مسائل، یک روش محدود دارند و به نتیجه‌ای که می‌رسند حقیقت فرض می‌کنند؛ زیرا با تحلیل آماری سازگاری داشته و پرسشنامه‌ای که تدوین شده، مورد تایید خبرگان قرار گرفته و مردم آنرا تکمیل کرده‌اند و پس از تحلیل آماری به جواب مشخصی رسیده‌اند، در واقع این حقیقت نیست. به همین جهت است که من فکر می‌کنم این پیشرفت مهمی است که فرقه‌گرایی در مورد روش تحقیق، جای خود را به یک آزاداندیشی و گشودگی انواع روش‌ها و رویکردهای داده است که می‌توان از طریق آن با حفظ اصول و ملاحظات علمی به حقیقت نزدیک‌تر شد. بنده امیدوارم با رویکردهای جدید شاهد تحولی بزرگ در حوزه پژوهش باشیم.

دکتر منصوریان: از آقای دکتر جلالی خواهش می‌کنم مقدمه‌ای در رابطه با تعریف پژوهش‌های آمیخته بفرمایند.

دکتر جلالی دیزجی: مجموعاً صحبت از روش‌مند بودن پژوهش‌هاست و صحبت‌هایی هم که می‌شود باید مبتنی بر همین روش‌مندی باشد. در اینجا باید از استاد حزی تشکر کنم که بسیار خلاصه کل روش پژوهش آمیخته را توضیح دادند. اما من هم جستجویی برای سابقه این روش پژوهشی انجام دادم، مطالبی که یافتیم بسیار محدود بود. شاید یک یا دو مقاله و با دو کتابی که در اختیار داشتیم سعی کردم مطالبی را تهیه کنم و با توجه به زمان کمی که در اختیار بود به صورت اسلاید ارائه نمایم، که البته به علت ضیق وقت اسلایدها کامل نیستند. در زبان انگلیسی برای روش‌های پژوهش ترکیبی واژه‌های متفاوتی از قبیل Mixed Method و Multi-methodology به کار رفته است. به لحاظ تعریف، روش تحقیق ترکیبی یا آمیخته و یا چند روشی رویکردی برای پژوهش حرفه‌ای است که گردآوری و تجزیه و تحلیل کمی و کیفی داده‌ها را با هم ترکیب می‌کند. اگر بخواهیم بررسی روش‌مندی نسبت به موضوع داشته باید به سراغ فلسفه، شناخت و روش علمی در طول تاریخ علم برویم و روش‌های شناخت را مورد بحث قرار دهیم که طبیعتاً با رویکرد قیاسی یعنی شناخت پدیده‌ها به روش حرکت از کل به جز آغاز می‌شود. اما به جهت این که این روش شناخت، بیشتر وابسته به ذهن و رویکردی کیفی بوده است در دوره رنسانس مورد انتقاد صاحب‌نظران مکتب پوزیتیویستی یا مثبت‌گرایی قرار می‌گیرد. فرانسویس بیکن و سایر طرفداران این مکتب معتقد بودند که شناخت به روش قیاسی قادر به حل دقیق مسائل نیست و روش شناخت استقرایی را که به روش علمی مشهور است، پایه‌گذاری کردند. چنین رویکردی در مورد کشف دانش، در جریان رنسانس به ظهور می‌رسد و مدافعان بسیاری می‌یابند. این رویکرد جدید مبتنی بر شناخت پدیده‌ها

از طریق مشاهده و گردآوری اطلاعات کمی در مورد آنها و نتیجه‌گیری بر اساس یافته‌های کمی است. این روش شناخت، مدت‌ها مناسب‌ترین روش و راه حل علمی برای بررسی مسائل در مجامع علمی بوده است و چنان ریشه گرفته است که هنوز هم عده‌ای چیزی به جز این روش را روش علمی نمی‌پندارند و آنرا معتبرترین روش برای حل مسئله و پاسخگویی به پرسش‌های بی‌جواب به‌شمار می‌آورند. این رویکرد فلسفی برای حل مسائل در حوزه‌های علوم فیزیکی موفق بوده، ولی قادر به حل همه مسائل

در حوزه پیچیده علوم اجتماعی نبوده است و با مشکلات زیادی مواجه شده است. به همین سبب پست مدرن به عنوان رویکرد فلسفی جدیدی مطرح می‌شود. صاحب‌نظران این رویکرد معتقدند که در پژوهش‌های علمی به جای استفاده صرف از روش استقرایی یعنی گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌های کمی در علوم به ویژه علوم اجتماعی، لازم است از ترکیب رویکردهای استقرایی و قیاسی یا کمی و کیفی استفاده شود. به عنوان مثال آقای قانع بصیری در اثر خود علوم را به نوعی به دو گروه علوم فیزیکی و علوم اجتماعی تقسیم می‌کند و برای هر یک تعاریفی را عرضه می‌دارد. او در تعاریف حوزه‌های علوم فیزیکی موضوع رابطه بین ماده و انرژی را مطرح می‌کند اما در تعاریف علوم اجتماعی عنصر سومی به نام اطلاعات را پیش کشیده و رابطه بین سه عنصر ماده، انرژی و اطلاعات را بررسی می‌کند. از این رو، رویکردهای متفاوت فلسفی نقش اساسی در به‌کارگیری روش‌های متفاوت برای بررسی و حل مسائل علمی داشته‌اند. روش تحقیق ترکیبی بر مبنای رویکرد فلسفی پست مدرن سعی می‌کند از ترکیبی از روش‌های پژوهش به منظور روایی بیشتر برای حل مسائل علمی استفاده کند که در آن از روش‌های کمی برای کشف روابط بین پدیده‌ها و از روش‌های کیفی برای توصیف آنها استفاده می‌شود.

دکتر منصوریان: بحث را با اشاره مجدد به بحث قبلی ادامه می‌دهم. در اینجا اشاره شده که ممکن است در یک تحقیق واحد به چند شکل دو رویکرد کمی و کیفی را ترکیب کنیم. یکی از این شکل‌ها، ترکیب روش‌های تحقیق است. یعنی استفاده همزمان از دو روش گردآوری داده‌ها، مثلاً مصاحبه و پرسشنامه، در یک تحقیق واحد. مرحله بعدی ترکیب منابع است. بر این اساس، ممکن است منابعی که قصد داریم از آن‌ها اطلاعاتی گردآوری کنیم متعدد باشند. شکل سوم ترکیب، در مورد تحلیل یافته‌هاست که می‌تواند با رویکرد ترکیبی انجام شود. یعنی یافته‌های خود را از زوایای مختلف کمی و کیفی بررسی کنیم. یا این که در مبنای نظری یا تئوری به صورت ترکیبی به مسئله تحقیق نگاه کنیم. آقای دکتر حزی، به نظر شما در یک فرآیند پژوهشی که از بیان مسئله شروع می‌شود و تا گردآوری داده‌ها، ارائه یافته‌ها و نتیجه‌گیری ادامه می‌یابد، در چه مرحله‌ای می‌توان از روش ترکیبی استفاده کرد و به نظر شما کدام مراحل اهمیت بیشتری دارند.

دکتر افشار:

روش تحقیق برای

نجات ما از ذهن و

توهم خلق شده و قرار

شده تا دری به روی

حقیقت برای ما باز

کند، ولی آنقدر به یک

روش محدود شدیم

که خود روش تحقیق

مانع رسیدن ما به

حقیقت شده است

دکتر جلالی دیزجی:

روش تحقیق ترکیبی

یا آمیخته و یا چند

روشی رویکردی برای

پژوهش حرفه‌ای است

که گردآوری و تجزیه

و تحلیل کمی و کیفی

داده‌ها را با هم ترکیب

می‌کند



دکتر حرّی:
در رویکرد آمیخته
با چند روش سر
و کار داریم که
بخش عمده‌ای از
نظریه پردازان معتقدند
وقتی صحبت از روش
می‌شود دقیقاً منظور
تلفیق دو رویکرد
روش‌شناختی کمی و
کیفی است

دکتر حرّی: اگر در علوم فیزیکی با ماده و انرژی سر و کار داریم، در علوم اجتماعی عنصر دیگری به آن اضافه می‌شود و آن «اطلاعات» است. در اینجا اضافه می‌کنم که حتی فیزیک که مهمترین ضد «متافیزیک» است، مدعی است که با ظهور فیزیک کوانتوم، فیزیک غرق و غوطه‌ور در متافیزیک شد. پیشنهاد می‌کنم نظریه کوانتومی اطلاعات را که شامل نظرات صاحبان نظر در عرصه فیزیک و تاریخ علم است را مطالعه بفرمایید. بنابراین امروزه بحث اطلاعات همه جا مطرح است. در رویکرد آمیخته با چند روش سر و کار داریم که بخش عمده‌ای از نظریه‌پردازان معتقدند وقتی صحبت از روش می‌شود دقیقاً منظور تلفیق دو رویکرد روش‌شناختی کمی و کیفی است. اگر دو رویکرد کمی یا دو رویکرد کیفی را به تنهایی در روشی به کار بگیریم «چند روشی» انجام شده و روش ترکیبی نیست. در مورد تلفیق منابع که به آن اشاره شد باید بگوییم که در مورد منابع هم مانند روش به انتخاب محقق نیست، و این مسئله است که تعیین می‌کند از چه منابعی استفاده کنیم. ممکن است برای یک کار صد درصد کمی، اشاره کوتاهی از یک منبع فلسفی را بیاوریم. نکته دیگری که نویسنده مقاله به آن اشاره می‌کند در بحث تحلیل پژوهش است، و اتفاقاً باور من از گذشته‌های دور همیشه این بوده که روشی که سال‌هاست مورد استفاده قرار می‌گیرد و به نام روش کمی از آن نام می‌بریم، بخش تحلیلی آن صد درصد کیفی است. یعنی هیچ رویکرد کمی فارغ از کیفیت نیست. به دلیل این که کیفیت همان جایی است که محقق با کنار هم نهادن یافته‌ها و اطلاعات خود به استنباط می‌رسد و استنباط یک امر کمی نیست. بنابراین در بحث امروز که منحصرأ بر روش آمیخته و تلفیق دو روش کمی و کیفی است ارزش و اهمیت آن در این است که مسئله در فضای آزاد حرکت می‌کند و مهار کردن آن با یک زنجیر واحد فقط برای این که به جنبه‌ای از مسئله پاسخ دهیم ظلم به مسئله است. علی‌رغم این که پیشرفت‌های عظیمی در حوزه علم و بر اساس روش کمی صورت گرفته است و روش کمی در جای خودش بسیار موجب پیشرفت شده، اما استفاده نابجا از آن سبب نتیجه‌گیری‌های غلط و نادرستی هم شده که امروزه به آن پی برده‌اند. بسیاری از مطالبی که امروزه در مورد آن‌ها بحث می‌کنیم، مثلاً مباحثی تحت عنوان «بین متنی»، «بین رشته‌ای» و «بین مقوله‌ای»، همگی بازتاب و بازخورد قرن‌ها حرکتی بوده که جامعه علمی در مسیر خود داشته است. مثلاً در مورد فیزیک، هر گاه افراد بخواهند درباره علم صحبت کنند از فیزیک یاد می‌کنند. اما علم فیزیک در باب باورهای پیشین خود تأمل و تردید می‌کند. یعنی ما در قرن جدید وارد قرن نقد شدیم. قرنیه که به بازنگری ارزش‌ها و باورهایی که تا به حال بر ما حاکم بوده است، بپردازیم. این نقد و بازنگری باعث شده تا روش تحقیق آمیخته پیش بیاید. شما در یک تحقیق باید به مسئله پاسخ دهید و نمی‌توان چهره‌های از مسئله را در نظر گرفت و سایر چهره‌های آن را رها کرد، به دلیل این که کمی نیست وارد بحث می‌شوم پس نباید ادعا کنید که به

مسئله پاسخ دادید بلکه به چهره‌های کوچکی از مسئله پاسخ دادید. اگر به تاریخ روش آمیخته بنگرید، بدون این که این ترکیبات و واژه‌ها را به کار ببرند، به دوران عظمت فلسفه برمی‌گردید. در کشورهای یونان و ایران، علماً معمولاً چند رشته‌ای بودند، یعنی هم ریاضی می‌دانستند هم فلسفه و پزشکی. به این معنا که فرد باید اطلاعات چند وجهی داشته باشد تا بتواند به مسئله جواب دهد. اگر به دانشمندان گذشته نظری داشته باشید مثلاً رازی همان اندازه که طب می‌دانسته، در باب فلسفه عالم بود و هم پای هم کارها را انجام می‌داده است.

دکتر منصوریان: همان طور که آقای دکتر حرّی فرمودند در واقع این «مسئله تحقیق» است که تعیین می‌کند از چه روشی باید استفاده شود. همچنین درست است که روش تحقیق آمیخته بیش از آنکه کمی باشد، کیفی است. ولی در نهایت رویکرد تحقیق آمیخته، روش جدیدی نیست بلکه بازگشت به گذشته‌های است که مدتی به خاطر سیطره کمی‌گرایی بر علوم پایه و اجتماعی، مورد غفلت قرار گرفته بود. نکته دیگر این که یک مسئله واحد چندین وجه دارد و برای پرداختن به وجوه مختلف آن باید روش‌هایی را با هم ترکیب کنیم. آقای دکتر افشار آیا شما می‌خواهید مطلبی به این بحث اضافه کنید.

دکتر افشار: در ادامه صحبت‌های آقای دکتر حرّی مطالبی را اضافه می‌کنم. ایشان فرمودند که اگر یافته‌های یک تحقیق کمی مورد تفسیر یا استنباط قرار نگیرد ناتمام باقی می‌ماند. شما یافته‌هایی دارید و در مرحله آخر باید آن‌ها را تفسیر کنید و تفسیر شما مبتنی بر یافته‌هایی است که با یک شیوه درست به دست آمده است. بنابراین تفسیر در هیچ جا گم نمی‌شود. دوم این که ماهیت مسئله موجود ما است که تعیین می‌کند که چه روشی را باید پیش بگیریم. اخیراً به یک کتاب ترجمه شده برخورد کردم. نوشته یکی از تکامل‌شناسان بزرگ به نام «ارنست مایر» که بعد از داروین به عنوان بزرگترین تکامل‌شناس شناخته شده است. او کتاب «خودمختاری یک علم» را جمع‌آوری کرده، که موضوع آن فلسفه زیست‌شناسی است. در آنجا نکات جالبی آمده، از جمله این که علوم زیستی با علوم فیزیکی تفاوت دارند. از این لحاظ که در علوم زیستی قوانین جهان شمول به آن شکلی که در فیزیک هست وجود ندارد. همچنین گونه و سنخ که در فیزیک و ریاضیات هست در آن یافت نمی‌شود. یعنی اگر شما حیواناتی را که در یک طیف هستند ردیف کنید، در انتها با هم متفاوت هستند. در جایی دیگر آمده که تکامل، علم تاریخی است، و تصادف در آن بسیار نقش دارد و شاید بتوان فقط چند درصد از زیست‌شناسی را در چارچوب علوم فیزیکی قرار داد و چند درصد از قوانین علوم زیست‌شناسی در فیزیک حاکم باشد. هر گاه بخواهید بدانید این موجود چه سیری از تکامل را طی کرده باید تاریخ آن را بنویسید، و این تاریخ یکتاست و هیچ گاه رخ نمی‌دهد و هزار نوع تصادف هم در آن وجود دارد.

هستند. هنگام صحبت از روش‌های کمی، کیفی و روش آمیخته به این نکته دقت می‌کنیم که در این کار پژوهشی چه نوع متغیرهای وجود دارد، متغیرها کمی یا کیفی هستند که این موضوع به ماهیت خود مسئله پژوهش هم برمی‌گردد. بنابراین در جایی که با متغیرهای کیفی سر و کار داریم تبدیل آن‌ها به مسئله کمی ساده نیست و گاهی هم مشکل‌آفرین می‌شود، طبیعی است که روش پژوهش کیفی کارایی بیشتری دارد. اگر بخواهیم این دو روش را در کنار هم استفاده کنیم جای بحث دارد که آقای دکتر حرّی به آن اشاره‌ای کردند و مخالف این مسئله هستند. به هر حال بحث رویکردهای کمی و کیفی یک بحث فلسفی است که باید ببینیم این رویکردها کجا در کنار هم و در کجا از هم فاصله می‌گیرند. اگر این رویکردها بتوانند در کنار هم قرار گیرند از روش پژوهش ترکیبی به راحتی می‌توان استفاده کرد. متأسفانه در حال حاضر جو حاکم چنین است که که اکثرأ در جلسات شورای تحقیقات تکمیلی دیده می‌شود وقتی عنوان پژوهشی مطرح می‌شود که از روش پژوهش تجربی استفاده نمی‌کند بلافاصله با مخالفت عده‌ای همراه می‌شود و معتقدند که پژوهش نیست. به نظر می‌رسد افرادی که این چنین به بیان نظرات خود می‌پردازند درباره ماهیت رشته علمی و موضوع و مسئله، اطلاعات کافی ندارند.

دکتر جلالی دیزجی:

هنگام صحبت از

روش‌های کمی، کیفی

و روش آمیخته به این

نکته دقت می‌کنیم که

در این کار پژوهشی

چه نوع متغیرهای

وجود دارد، متغیرها

کمی یا کیفی هستند

که این موضوع به

ماهیت خود مسئله

پژوهش هم برمی‌گردد

دکتر منصوریان: در این نشست ده محور اصلی برای گفتگو پیش بینی کرده بودیم که تا به حال هشت محور از آن مورد بررسی قرار گرفت. اساتید محترم تعریف پژوهش ترکیبی یا آمیخته را ارائه کردند و به مقایسه رویکردهای کمی و کیفی پرداختند. همچنین، تاریخچه و سابقه استفاده از این رویکرد در مطالعات حوزه‌های مختلف مطرح شد، که به نوعی حاصل بازگشت به اصول فلسفی روش تحقیق و راهکاری برای گذر از موانع موجود در درک ماهیت مسئله و حل آن بود. مزیت‌های آن گفته شد. از مزیت‌های پژوهش آمیخته یکی این است که در این رویکرد ما به مسئله و موضوع مورد مطالعه خود یک سویه و یک جنبه نگاه نمی‌کنیم بلکه چند وجهی، چند جنبه و کلی نگاه کنیم. دیگر این که آیا آمیختگی در روش یا پژوهش ترکیبی در حد گردآوری داده‌هاست یا بیش از این بوده که گویا بیشتر بوده است، و خود در حد رویکرد مستقلی به حساب می‌آید. پرسش بعدی این بود که سهم روش کیفی و کمی در پژوهش آمیخته چیست که پاسخ آن گفته شد و به ضرورت‌های آن هم اشاره گردید. بر این اساس، سه نکته دیگر باقی مانده است. یکی زمینه‌های مناسب برای استفاده از پژوهش‌های آمیخته در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی است، که البته ممکن است کمی با این مطلب که مسئله مورد تحقیق است که تعیین می‌کند از چه روشی باید استفاده کرد، مغایر باشد. آقای دکتر حرّی بفرمایید در بحث‌های مختلف کتابداری و اطلاع‌رسانی کجا می‌توان مسائلی را که به پژوهش‌های آمیخته نزدیکتر باشند، پیدا کرد.

بنابراین ماهیت فیزیک با ماهیت زیست‌شناسی متفاوت است. به همان اعتبار ماهیت علوم اجتماعی، علوم رفتاری و انسانی متفاوت است و باید روش دیگری برای آن پیش گرفت، و نمی‌توان همه آنها را با یک روش سنجید. بر حسب تجربه وقتی مسئله‌ای به وجود می‌آید که راجع به آن تحقیق کنیم، نباید در وهله اول به فکر روش‌شناسی بود؛ بلکه باید به این اندیشید که مسئله‌ای که ذهن ما را به خود درگیر کرده، چیست؟ در ابتدا آن را بشکافیم و جوه مختلف آن را به دست آوریم. به این ترتیب، تعریفی از مسئله داشته باشیم و دیگر این که مشخص کنیم مسئله ما چه جنبه‌های مادی و معنوی دارد. از این رو، باید سعی کنیم مسئله را خوب شناسایی کنیم؛ وقتی آن را خوب شناختیم نوع روشی که باید در هر قسمت از تحقیق بکار رود مشخص می‌شود. متأسفانه در محیط‌های تحقیقاتی کشور ابتدا روش پرسیده می‌شود. من یک دانشجوی کارشناسی ارشد داشتم که قصد داشت در مورد یک مسئله ساده اجتماعی از دیدگاه کتابفروشان تحقیق کند، و در این فکر بودیم که برای پرسیدن از کتابفروشی‌ها بهتر است مصاحبه کند یا از روش دیگری استفاده کند، هنگامی که مسئله را به دقت بررسی کردیم، دریافتیم که با یک پرسشنامه بهتر می‌توان به این تحقیق پرداخت زیرا ماهیت مسئله خود را شناختیم و روش کمی را برای انجام آن مناسب‌تر دیدیم.

دکتر منصوریان: تا اینجا به این نتیجه می‌رسیم این «مسئله تحقیق» است که تعیین می‌کند که چه روشی برای انجام پژوهش جوابگوست. تأکید می‌کنم وقتی صحبت از روش کیفی و پژوهش آمیخته می‌شود دلیل بر نادیده گرفتن کاربردها و اهمیت پژوهش کمی نیست. آقای دکتر افشار به خوبی به این مورد اشاره کردند. با این مثال که گاهی پرسشنامه پاسخگوی تحقیق ما است و نیاز نیست کار دیگری انجام شود. آقای دکتر جلالی اگر مطلبی در رابطه با بحث‌های مطرح شده است، بفرمایید.

دکتر جلالی دیزجی: هنگامی که آقای دکتر حرّی صحبت از اطلاعات کردند، فرمودند که اطلاعات متغیری نیست که فقط در مباحث علوم اجتماعی افزوده شود، و دلیل این که من آن را مطرح کردم این است که مبدأ و منشأ را بیان کنم و مطالبی را در رابطه با رویکرد کیفی مطرح کنم. نمی‌توان ادعا کرد که اطلاعات جایی کاربرد ندارد، اگر بخواهم روشن‌تر بیان کنم باید به این باور مذهبی اشاره کنم که خداوند از رگ گردن به ما نزدیکتر است و این دقیقاً همان صحتی است که در رابطه با اطلاعات می‌شود، زیرا هر جایی که قدم بگذارید رد پای از اطلاعات را مشاهده می‌کنید. نکته دیگری که باید اضافه کنم این است که ما در پژوهش‌ها در عین حالی که مسئله داریم با مفاهیمی هم سر و کار داریم، مفاهیمی که نقش متغیر را در کارهای پژوهش بازی می‌کنند. از مجموعه مفاهیمی که در کارهای پژوهشی یافت می‌شوند مجموعه‌ای از مفاهیم کمی قابل شمارش و مفاهیمی کیفی غیرقابل شمارش

که گفته شد در میان ۴۶۵ مقاله حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی، فقط در ۲۲ مقاله آن از روش آمیخته استفاده شده است. از این ۲۲ مقاله، ۹ مورد که چهل درصد از ۲۲ مقاله را شامل می‌شود در حوزه رفتارهای اطلاع‌یابی بودند. مثلاً وقتی می‌خواهید رفتار اطلاع‌یابی کاربران را در محیط اینترنت بررسی کنید، اگر نگاه شما کمی باشد از روش تحلیل داده و گرفتن آمار و اطلاعات مبادله شده بین کاربر و وبسایت‌ها استفاده می‌کنید که روشی کاملاً کمی است؛ اما در بسیاری از تحقیقات استفاده صرف از این روش به تنهایی پاسخگو نبوده و برای تکمیل یافته‌ها پژوهش، پژوهشگر مجبور است از داده‌های کیفی که حاصل مصاحبه با کسانی است که از منابع اینترنت استفاده می‌کردند، استفاده کند تا انگیزه‌ها و احساسات آنان را در استفاده از منابع مورد بررسی قرار دهد.

پی‌نوشت‌ها

۱. کرسول، جان دبلیو و پلانو کلارک، ویکی. روش تحقیق تلفیقی (ج. ۱). ترجمه عباس زارعی و محسن نیازی. تهران: نا من الحجج، ۱۳۸۷، ص ۱۴.
2. Positivist

مآخذ و یادداشت‌ها

1. Creswell, J.W. (2003). "Research design: Qualitative, quantitative & mixed methods approaches" (2nd Ed.). Sage: Thousand Oaks, California.
2. Fidel, R (2008). Are we there yet? Mixed methods research in library and information science, Library & Information Science Research Volume 30, Issue 4, Pages 265-272.
3. Tashakkori, A. & Teddlie, C. (1998). "Mixed methodology: Combining Qualitative and Quantitative Approaches". Sage: London.
4. Tashakkori, A. & Teddlie, C. (2010). Current developments and emerging trends in integrated research methodology. In Tashakkori, A. & Teddlie, C. (Eds.) *Handbook of mixed methods in social and behavioral research* (2nd Edition). Thousand Oaks, CA: Sage
5. Tashakkori, A., & Teddlie, C. (2010). *Handbook of mixed methods in social and behavioral research* (2nd Edition). Thousand Oaks, CA: Sage.
6. Tashakkori, A., & Teddlie, Ch. (2009). Integrating Qualitative and Quantitative Approaches to Research. In Rog and Bickman (Eds.), *Handbook of Applied Social Research Methods* (2nd Edition). Thousand Oaks, CA: Sage.

به دلیل این که منابع دیگر را هم مطالعه کرده بودم متوجه شدم که بین تعریفی که این کتاب ارائه داده با تعاریف ارائه شده در منابع دیگر، تفاوت اساسی وجود دارد. استنباطی که از تعریف ارائه شده دریافت می‌شود این است که در تحقیق ترکیبی، پژوهشگر مجموعه تحقیق‌های انجام شده و منتشر شده را گردآوری می‌کند و از مجموع آن‌ها مقدمه‌ای را فراهم می‌کند که از این مسئله به عنوان روش‌های تحقیق ترکیبی یاد می‌شود. با توجه به صحبت‌های همکاران محترم و منابعی که وجود دارد این تعریف، در قیاس با تعریفی که در روش‌های ترکیبی مطرح است و آن استفاده از رویکردها و راهبردها است، تعریف درستی نیست. یعنی شما در کار پژوهشی خود ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی را به عنوان یک رویکرد به کار می‌برید و در بخش گردآوری و تحلیل داده‌ها هم راهبردها هستند که مشخص می‌کنند از کدام روش باید استفاده کنید.

دکتر منصوریان: در پایان به این خاطر که آقای دکتر به منابع اشاره کردند چند منبع فارسی و انگلیسی معرفی می‌کنم که اگر دوستان علاقه‌مند هستند، مطالعه بفرمایند. در زبان فارسی آقای دکتر بازرگان کتابی در زمینه روش‌های ترکیبی نوشتند، البته کتاب‌هایی به زبان فارسی در مورد روش تحقیق نوشته شده که اشاره‌هایی به آن شده، اما کتابی که مستقیم به روش تحقیق آمیخته پرداخته کتاب آقای دکتر بازرگان است. منابع انگلیسی که بیشتر به چشم می‌خورد خدمت شما عرض می‌کنم یکی «کرسول» (Creswell) است که کتابی در سال ۲۰۰۳ و ۲۰۰۶ منتشر شده تحت عنوان *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches* که آن را نشر «سیج» در انگلستان منتشر کرده، کرسول با همکاری کلارک در سال ۲۰۰۶ کتاب دیگری دارد تحت عنوان *Designing and Conducting Mixed Methods Research* که باز هم نشر «سیج» آن را منتشر کرده است. دو نام دیگری که در این رابطه زیاد دیدم یکی آقای دکتر «عباس تشکری» در یکی از دانشگاه‌های آمریکا (دانشگاه تگزاس) و «چالز تدلی» که این دو نفر از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۰ چندین کتاب و مقاله به چاپ رساندند. مشخصات برخی از این آثار در قسمت مآخذ و یادداشت‌ها آمده است. از حوصله شما تشکر می‌کنم اگر سؤالی هست بفرمایید.

یکی از شرکت‌کنندگان: با عرض سلام. لطف کنید و یکی از پژوهش‌هایی را که در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی با روش آمیخته انجام شده نام ببرید و این که در این تحقیقات از چه روش‌هایی استفاده شده و با هم آمیخته شده است.

دکتر منصوریان: اگر بخواهم مثالی در این زمینه بیاورم بد نیست به تحقیقی که فیدل در سال ۲۰۰۸ منتشر کرده اشاره کنم. همانطور

دکتر منصوریان:
در میان ۴۶۵ مقاله
حوزه کتابداری و
اطلاع‌رسانی، فقط در
۲۲ مقاله آن از روش
آمیخته استفاده شده
است. از این ۲۲
مقاله، ۹ مورد که چهل
درصد از ۲۲ مقاله را
شامل می‌شود در حوزه
رفتارهای اطلاع‌یابی
بودند